

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده حقوق

«پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل»

عنوان:

وضعیت شورشیان سوریه از منظر حقوق بین الملل

استاد راهنما:

دکتر سید یاسر ضیایی

نگارنده:

مجتبی غیبی

بهار 1393

تقدیم به رهبران شجاع عربی

رهبر مقاومت اسلامی لبنان سید حسن نصر الله

و رئیس جمهور سوریه دکتر بشار اسد

و تمامی شهدای راه مقاومت اسلامی

سپاس خدایی را که اول است بدون آن که پیش از او اولی باشد و آخر است بدون آن که پس از او آخری باشد. آفریدگان را به قدرت خود پدید آورد سپس در طریق اراده خود روان ساخته و در پی محبت خود برانگیخته است. سپاس خدای را بر آنچه از خدائی خود به ما شناسانده و بر آنچه از شکر خود به ما الهام کرده و بر آن درها که از علم به ربوبیتش بر ما گشوده و بر اخلاص در توحیدش که ما را به آن راهبری کرده و ما را از کج روی و شک در کار خود دور ساخته است. سپاس خدایی را که برای قبض و بسط اعضاء، آلات و عضلاتی در بدن ما ترکیب کرد و ما را از آسایش های زندگی بهره مند گردانید و اعضایی برای کار در (بیکر) ما برقرار کرد و ما را از روزی های پاکیزه اطعام فرمود و به فضل خود توانگر ساخت و به نعمت خود سرمایه بخشید. سپاسی که پایان نپذیرد و شماره اش به احصاء در نیاید و نهانیش دسترس و برای مدتش انقطاعی نباشد. سپاسی که موجب رسیدن به طاعت و عفو او و سبب خوشنودی و وسیله آمرزش و راه به سوی بهشت و پناه از انتقام و ایمنی از خشم و پشتیبانی طاعت، و مددکار بر ادای حق و وظایف او باشد.

اینجا بر خود لازم می دانم از تمامی اساتید بزرگوار به ویژه اساتید کارشناسی ارشد و بطور خاص جناب آقای دکتر ضیایی که در طول سالیان گذشته مرا در تحصیل علم و معرفت و فضایل اخلاقی یاری نمودند، تقدیر و تشکر نمایم و از خداوند متعال خیر و سعادت را برایشان آرزو مندم.

چکیده

شناسایی مفهومی است که در حقوق بین‌الملل به موجودیت‌های مختلفی ملحق می‌شود از جمله شناسایی کشور (شامل شناسایی دولت و شناسایی حکومت)، نهضت‌های آزادیبخش، شورشیان و ... شناسایی در تمام این عبارات در یک معنا مشترک هستند و آن به رسمیت شناختن حقوق و تعهداتی متقابل میان دولت شناسایی‌کننده و موجودیت شناسایی‌شده است. دولتی که شورشیان را شناسایی نکرده است، در صورت تقاضای دولت مرکزی سوریه امکان کمک نظامی به دولت سوریه را دارد. شناسایی شورشیان سوری به عنوان طرف مخاصمه موجب شناسایی وضعیت مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی می‌شود که به دنبال آن وضعیت بیطرفی برای ثالث ایجاد می‌کند و لذا کمک نظامی به یکی از دو طرف درگیر موجب نقض بیطرفی شده و موجب مسؤولیت بین‌المللی است. شناسایی شورشیان به عنوان نماینده مشروع مردم سوریه می‌تواند ارسال کمک‌های مالی را توجیه‌پذیر سازد در حالی که شناسایی به عنوان حکومت سوریه می‌تواند کمک نظامی به طرف شورشی را توجیه نماید. شناسایی ائتلاف مخالفان سوری علاوه بر مسؤولیت بین‌المللی به سبب شناسایی نامشروع زودرس، نقض اصل عدم توسل به زور و اصل حق تعیین سرنوشت و اصل منع مداخله در امور داخلی دولت‌ها، می‌تواند مسؤولیت بین‌المللی این دولت‌ها را به سبب جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و نقض حقوق بشردوستانه این گروه به دنبال داشته باشد.

کلمات کلیدی: سوریه، شورشیان، مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی، اصل عدم مداخله، اصل حقوق بشردوستانه

فهرست مطالب

عنوان

1	مقدمه
1	الف. بیان مسئله
3	ب. سوالات تحقیق
3	ج. فرضیه‌های تحقیق
4	د. اهداف و ضرورت تحقیق
4	ن. سابقه و پیشینه تحقیق
4	و. روش تحقیق
4	ه. ساختار کلی تحقیق

فصل اول. کلیات

5	گفتار اول. مفاهیم
5	مبحث اول. مخاصمات مسلحانه
6	بند اول: مخاصمات مسلحانه بین‌المللی
6	الف. مفهوم مخاصمه مسلحانه بین‌المللی
7	ب. معیارهای توصیف مخاصمات مسلحانه بین‌المللی
8	بند دوم: مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی
8	الف. مفهوم مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی
10	ب. معیارهای توصیف مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی
12	بند سوم: مخاصمات مسلحانه بین‌المللی شده
12	الف. مفهوم مخاصمه مسلحانه بین‌المللی شده
14	ب. معیارهای توصیف مخاصمات مسلحانه بین‌المللی شده

16	مبحث دوم: مفهوم شورشیان
16	بند اول: شورش
16	بند دوم: شورشیان
22	مبحث سوم: شناسایی
28	گفتار دوم. پیشینه وقایع در سوریه
29	مبحث اول. سوریه در نگاهی کلی
31	مبحث دوم: شروع اعتراضات
33	مبحث سوم: مخالفان در سوریه
33	بند اول: دولت‌های حامی شورشیان در سوریه
34	بند دوم: گروه‌های مخالف در سوریه
38	مبحث چهارم: اصلاحات سیاسی در سوریه
39	گفتار سوم. منابع حقوق بین‌الملل ناظر بر شورشیان
39	مبحث اول. منابع معاهده‌ای
40	بند اول. ماده 3 مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو
41	بند دوم. پروتکل الحاقی دوم به کنوانسیون ژنو
43	بند سوم. معاهدات حقوق بشری
45	بند چهارم. شرط مارتنس
46	بند پنجم. منابع معاهداتی دیگر
46	مبحث دوم. حقوق بین‌الملل عرفی
47	مبحث سوم. اصول کلی حقوقی
48	مبحث چهارم. رویه قضایی
48	مبحث پنجم. قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی دولتی
49	بند اول. قطعنامه‌های مجمع عمومی

بند دوم. مصوبات شورای امنیت 49

فصل دوم: کمک به شورشیان سوریه

گفتار اول: کمک مادی 51

مبحث اول. کمک مالی 51

بند اول. کمک مالی به شورشیان از منظر حقوق بین الملل 51

بند دوم: کمک مالی به شورشیان سوریه 54

مبحث دوم. کمک نظامی 59

بند اول. کمک نظامی به شورشیان از منظر حقوق بین الملل 59

بند دوم: کمک نظامی به شورشیان سوریه 62

مبحث دوم: کمک غیرمادی 68

بند اول: شناسایی شورشیان 68

الف: شناسایی به عنوان شورشی (طرف متخاصم) 69

1. شناسایی به عنوان طرف متخاصم در حقوق بین الملل 69

1.1. وضعیت حقوقی شورشیان: رزمنده یا غیرنظامی 69

1.2. آثار و پیامدهای شناسایی شورشیان سوریه به عنوان نمایندگان مشروع مردم 72

2. شناسایی شورشیان سوریه به عنوان طرف متخاصم 76

2.1. سوریه، آشوب یا شورش 76

2.2. شورشیان سوریه نظامی یا غیرنظامی 78

2.3. حقوق و تکالیف شورشیان سوریه 80

ب: بیطرفی 86

1. بیطرفی در حقوق بین المللی 86

1.1. مفهوم بیطرفی 87

- 88 1.1. بیطرفی در اسناد بین‌المللی
- 90 1.3. حقوق و تکالیف دولت‌های بیطرف
- 92 2. بیطرفی در مخاصمه سوریه
- 93 2.1. دول بیطرف در مخاصمه سوریه
- 94 2.2. حقوق و تکالیف کشورهای بیطرف در سوریه
- 96 2.3. حضور مزدوران در سوریه
- 99 ج. شناسایی به عنوان نمایندگان مشروع مردم
- 99 1. شناسایی به عنوان نمایندگان مشروع مردم در حقوق بین‌الملل
- 99 1.1. ماهیت شناخت به عنوان نماینده مشروع
- 102 1.2. آثار و پیامدهای شناسایی به عنوان نماینده مشروع مردم
- 107 2. شناسایی شورشیان سوریه به عنوان نمایندگان مشروع مردم
- 109 2.1. شناسایی شورشیان سوریه به عنوان نمایندگان مشروع و اصل حق تعیین سرنوشت
- 111 2.2. معیارهای شناسایی وضعیت نماینده قانونی مردم
- 112 2.3. آثار و پیامدهای شناسایی شورشیان سوریه به عنوان نمایندگان مشروع مردم
- 116 د. شناسایی به عنوان نمایندگان حکومت
- 116 1. شناسایی به عنوان نمایندگان حکومت در حقوق بین‌الملل
- 117 1.1. ماهیت شناخت به عنوان نماینده حکومت
- 120 1.2. آثار و پیامدهای شناسایی به عنوان نمایندگان حکومت
- 122 2. شناسایی شورشیان سوریه به عنوان نمایندگان حکومت
- 123 2.1. تفاوت شناسایی شورشیان به عنوان نماینده مردم و نماینده حکومت
- 125 2.2. معیارهای شناسایی حکومت‌ها
- 127 2.3. پیامدهای شناسایی به عنوان نمایندگان حکومت
- 130 ه. شناسایی به عنوان حکومت در تبعید

1. شناسایی به عنوان حکومت در تبعید در حقوق بین الملل..... 130
- 1.1. مفهوم دولت در تبعید..... 131
- 1.2. ماهیت شناسایی دولت در تبعید..... 133
- 1.3. آثار و پیامدهای شناسایی به عنوان دولت در تبعید 134
2. شناسایی شورشیان سوری به عنوان دولت در تبعید 136
- 2.1. تفاوت شناسایی به عنوان حکومت با شناسایی به عنوان دولت در تبعید 137
- 2.2. معیارهای شناسایی به عنوان دولت در تبعید 138
- 2.3. پیامدهایی شناسایی شورشیان سوریه به عنوان دولت در تبعید 140
- بند دوم. روابط دیپلماتیک 143
- الف. نقش سازمان‌های بین‌الدولی 144
1. سازمان‌های بین‌الدولی در حقوق بین الملل 144
- 1.1. مفهوم دیپلماسی 144
- 1.2. ماهیت سازمان‌های بین‌المللی 146
- 1.3. پیامدهای واگذاری جایگاه یک دولت در سازمان‌های بین‌المللی 148
2. واگذاری کرسی سوریه در اتحادیه عرب به مخالفان 151
- 1.1. اساسنامه اتحادیه عرب و واگذاری کرسی سوریه 152
- ب. واگذاری سفارت خانه کشور به شورشیان 157
1. نقش سفارت‌خانه‌ها در حقوق بین الملل 157
- 1.1. هدف از ایجاد سفارت‌خانه 158
- 1.2. واگذاری سفارت به شورشیان 159
2. واگذاری سفارت سوریه به مخالفان 161
- 2.1. ماهیت واگذاری سفارت سوریه 162
- 2.2. پیامدهای واگذاری سفارت به شورشیان سوری 164

فصل سوم. ارزیابی کمک به شورشیان سوریه از منظر اصول حقوق بین الملل

- گفتار اول. اصل عدم مداخله 167
- مبحث اول. اصل عدم مداخله در حقوق بین الملل 167
- الف. مفهوم اصل عدم مداخله 168
- ب. سیر تاریخی اصل عدم مداخله 169
- ج. مصادیق مداخله 172
- مبحث دوم. سوریه و اصل عدم مداخله 175
- بند اول. حمایت از شورشیان سوری و اصل عدم مداخله 176
- گفتار دوم. اصل حق تعیین سرنوشت 181
- مبحث اول. اصل حق تعیین سرنوشت در حقوق بین الملل 181
- بند اول. سیر تاریخی اعمال حق تعیین سرنوشت 182
- بند دوم. حق بر انقلاب شورشیان 184
- بند سوم. اصل حق آزادانه تعیین سرنوشت و تمامیت ارضی 186
- مبحث دوم. شورشیان در سوریه و حق تعیین سرنوشت 189
- بند اول. ساختار اجتماعی - سیاسی کشور سوریه و شورشیان 190
- بند دوم. مردم سوریه و حق تعیین سرنوشت 191
- گفتار سوم. اصل الزام به رعایت حقوق بشردوستانه 195
- مبحث اول. الزام به رعایت حقوق بشردوستانه در حقوق بین الملل 195
- بند اول. اصول و اهداف حقوق بین الملل بشردوستانه 196
- بند دوم. الزام شورشیان به رعایت حقوق بشردوستانه 197
- بند سوم. مسئولیت کیفری فردی ناشی از نقض حقوق بشردوستانه 199
- مبحث دوم. شورشیان در سوریه و التزام به حقوق بشردوستانه 203
- بند اول. اجرا حقوق بشردوستانه توسط شورشیان سوریه 204

بند دوم. ضمانت اجرای شورشیان سوریه به رعایت حقوق بشر دوستانه 206.

فصل چهارم. مسئولیت دولت‌های حامی شورشیان سوریه

گفتار اول. مسئولیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل 211

مبحث اول. مفهوم مسئولیت بین‌المللی 212

مبحث دوم. مسئولیت بین‌المللی در اسناد بین‌المللی 213.

مبحث سوم. معیار تشخیص و ارزیابی مسئولیت دولت 216.

گفتار دوم. مسئولیت دولت‌های حامی شورشیان سوریه 219

مبحث اول. منشا پیدایش مسئولیت کشورهای حامی شورشیان سوریه 217

بند اول. مسئولیت ناشی از حمایت و مساعدت از مرتکبین ناقض حقوق بین‌الملل 220

بند دوم. مسئولیت ناشی از نقض اصول بنیادین حاکم بر روابط بین‌المللی 224

مبحث دوم. شرایط تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت‌های حامی 226.

بند اول. مسئولیت مالی 227

بند دوم. مسئولیت سیاسی 227

نتیجه‌گیری 230.

منابع

الف. بیان مسئله:

در گذشته مبارزات اصولاً میان امپراطوران و قدرت‌های بزرگ به وقوع می‌پیوست. از همین رو چنانچه رویدادی در داخل قلمروی کشوری رخ می‌داد با نهایت قدرت و خارج از اصول بشردوستانه سرکوب می‌شد طبق قواعد کشورهای امپریالیسم و استعمارگر ناآرامی‌های داخلی قابل مجازات و قابل تعقیب بودند و حقوق اشغال نیز اعمال تلافی‌جویانه علیه اهداف متمرّد را مجاز می‌شمرد. حقوق لاهه نیز به برتری نیروی نظامی کشورها نسبت به نیروهای غیردولتی اقرار داشت و به طور خلاصه افرادی که در سرزمینی سکونت داشتند که موضوع یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی بود، از مصونیت کمی برخوردار بودند. دو واقعیت دلیل این امر بود: اول این که حقوق جنگ چه قراردادی و چه عرفی در زمانی تشکیل می‌شود که پارادایم موجود در جامعه بین‌المللی روابط بین دولت‌ها بود. این دیدگاه که تنها بازیگران اصلی جامعه بین‌المللی کشورها هستند، ناشی از تفکر حاکم پس از جنگ‌های سی ساله اروپا و اندیشه‌های هابس و ماکیاول بود. در این زمان جنگ‌های درون مرزی کشورها در صلاحیت انحصاری حاکمیت‌ها تلقی می‌شد و دیگر کشورها را حق مداخله در آن نبود. دوم این که مبارزان غیردولتی را عده‌ای از شهروندان می‌دانستند که با تخطی از قانون تبدیل به دسته‌ای مجرم و متمرّد شده‌اند و لذا هیچ بهره‌ای از امتیازات ناشی از یک مبارز نظامی ندارند.

بعد از پایان جنگ‌های بی‌شمار در سطح جامعه بین‌المللی که اوج آن جنگ‌های مخرب جهانی در اوان سده بیستم و تاسیس سازمان‌های بین‌المللی چون جامعه ملل و سازمان ملل متحد، نگاه‌ها بر آن بود که دیگر شاهد از میان رفتن مخاصمات و یا به حداقل رساندن این مخاصمات باشیم ولی گذشت زمان نشان داد که این مسئله تصویری بیش نبود. در سطح بین‌المللی رقابت‌های کشورهای قدرتمند برای بدست آوردن منافع بیشتر و تضاد و تداخل میان منافع این کشورها، باز منجر به بروز مخاصماتی در سرتاسر پهنه جهان شد.

در یکی دو سده اخیر در بعد داخلی نیز خیزش و شورش‌ها، که گاه ناشی از جور حاکمان و گاه ناشی از رقابت‌ها و کشمکش‌های داخلی و... بود، سبب شد تا این مسئله بیشتر محسوس گردد. در آن سال‌ها که حقوق بین‌الملل آرام آرام بسط و گسترش می‌یافت و روابط میان دولت‌ها از جمله روابط خصومت‌آمیز آنان را به قاعده و قانون در می‌آورد، اصطلاح «جنگ داخلی» برای این درگیری‌ها رواج پیدا کرد و بدین وسیله وجه تمایز آن از «جنگ‌های بین‌المللی» که جنگ میان دو یا چند دولت بود برقرار شد.

اگرچه با تحولات حقوق بین‌الملل این طرز تلقی کم‌کم رنگ کهنگی به خود گرفت، ولی از آغازین فعالیت‌ها برای وضع و تدوین مقررات بین‌المللی درباره «جنگ» در قرن نوزدهم تا حال حاضر، نشان می‌دهد که این تمایز دیرین برقرار مانده است که نتیجه آن وجود دو نظام جداگانه برای هریک از این دو دسته جنگ‌هاست، که یکی

«مخاصمه مسلحانه بین‌المللی» که برای منازعه میان دولت‌ها و دیگری «مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی» است که در داخل مرزهای یک دولت واقع می‌شود.

این تصور که تا سال‌ها در میان دولت‌ها وجود داشت حتی نمود خود را در یادداشت مقدماتی پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون ژنو نشان داد و در آن این‌گونه ذکر شد که «ترس از اینکه پروتکل ممکن است حاکمیت ملی را تحت تاثیر قرار دهد و مانع از برقراری حقوق و تکالیف درون مرزی دولت‌ها در این رابطه گردد و این که ممکن است که به عنون توجیهی برای مداخله خارجی به آن استناد گردد، منجر به این تصمیم‌گیری شد که در نشست چهارم کنفرانس دیپلماتیک، این پروتکل ساده و خلاصه شود.»

به‌رغم تمام ممنوعیت‌های مصرح در حقوق بین‌الملل و برخلاف دوره‌های پیشین که معمولاً غیرنظامیان کمتر در معرض مستقیم حملات قرار می‌گرفتند، در مخاصمات دوره‌های اخیر بیشتر غیرنظامیان به دلایل گوناگون به هدف اصلی طرف‌های مخاصمه بدل شده‌اند. مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی که اغلب طبیعی خشونت‌آمیزتر از نوع دیگر مخاصمه داشته و دارند، در کشتار، ویرانی، آوارگی و... گاه بر آن پیشی هم گرفته‌اند. مخاصمات مسلحانه سال‌های نه‌چندان دور از آنگولا، سیرالئون، رواندا، روسیه، لبنان، افغانستان تا مخاصمات سال‌های اخیر در لیبی و سوریه ثابت کننده این مدعاست به گونه‌ای که از سال 1945 بیش از 80 درصد از قربانیان مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، غیرنظامیان بوده‌اند.¹ این مسائل در کنار عقل سلیم حکم می‌کند که قواعد و محدودیت‌هایی که نسبت به نحوه عملکرد در جنگ تحمیل می‌گردد باید در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی به نحو یکسان اعمال گردد.

حمایت از مخالفان یک دولت یا شورشیان یک کشور از طرف کشورهای دیگر امری است که از قدیم در روابط بین‌المللی وجود داشته است. این حمایت‌های گاه بی‌حد و حصر از شورشیان همیشه دلایل و اهداف آشکار و پنهانی را دنبال می‌کرده است. در مسئله سوریه شاید حمایت‌های صورت گرفته از این افراد، تاکنون در جامعه بین‌الملل بی‌بدیل و بی‌مثال باشد که جبهه‌بندی‌های جهانی همانند سال‌های جنگ سرد، را به اذهان متبادر می‌سازد.

در بحران سوریه، از یک سو بازیگرانی چون روسیه، چین و ایران خواهان حفظ نظام سیاسی مستقر و انجام تغییرات و اصلاحات آرام و تدریجی هستند. در مقابل، بازیگران حامی تغییر وضع موجود یعنی آمریکا، اتحادیه اروپا، ترکیه و اتحادیه عرب به محوریت عربستان سعودی و قطر خواهان سرنگونی نظام بشار اسد و جایگزینی یک نظام سیاسی جدید هستند. موضوع حمایت این کشورها از مخالفین در کشور سوریه به این مسئله ابعاد جهانی بخشیده است به گونه‌ای که در حال حاضر می‌توان آن را مخاصمه‌ای بین‌المللی شده به حساب آورد. در این مجال این سوال در اذهان خطور می‌کند آیا قواعد حقوق بین‌الملل به کشورها اجازه می‌دهد که دولت‌های بیگانه با انواع

¹ اشاره شده در یادداشت‌های مقدماتی پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو 12 اوت 1949.

کمک‌ها از قبیل کمک‌های اطلاعاتی، تبلیغاتی، سیاسی، نظامی، آموزشی و مالی به حمایت از شورشیان در یک نظام مستقر و قانونی که عضو سازمان ملل متحد نیز می‌باشد، بیردازند؟

نکته‌ای که در این باب وجود دارد این است که علی‌رغم این فشارهای بی‌حد و حصر بیگانگان بر نظام قانونی سوریه، این دولت به دلیل برخورداری از حمایت‌های اکثریت مردم این کشور و وحدت و یکپارچگی نیروهای مسلح و طبقه حاکم، تاکنون توطئه کشورهای حامی این افراد را خنثی نموده و این حمایت‌ها جز کشتار، ویرانی، آوارگی و تخریب زیرساخت‌ها و امکانات مردمی نتیجه‌ای در بر نداشته است. پر واضح است که این هجوم گسترده به حکومت و دولت مردان و مردم این کشور به دلیل نقش کلیدی است که این دولت، در حمایت از محور مقاومت در منطقه و بحث ضدیت و دشمنی با رژیم غاصب صهیونیستی ایفا می‌کند، بوجود آمده است.

بررسی وضعیت کنونی سوریه از قواعد مختلفی از حقوق بین‌الملل اعم از حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و حقوق توسل به زور و غیره قابل بررسی است اما در رابطه با حمایت کشورهای خارجی از شورشیان لازم است که موضوع از چند جهت مورد بررسی قرار گیرد. حق توسل به زور شورشیان، حق دولت مرکزی برای سرکوب شورشیان، حق دولت‌ها در شناسایی شورشیان، جایگاه اصل عدم مداخله در امور دولت مرکزی در حمایت از شورشیان، حمایت از شورشیان براساس رضایت یا بدون رضایت دولت مرکزی، حقوق بشردوستانه شورشیان و ... از این جمله است. باید توجه داشت که کشورها گاه دیدگاه‌های مشترک و گاه متفاوت زیادی را درباره این بحران دارند که ناشی از نوع نگرش آن‌ها به موضوع می‌باشد که باعث ایجاد سوءبرداشت‌های در این زمینه شده است که آن را به چالشی بزرگ تبدیل نموده است.

ب. سوالات تحقیق:

سوال اول. آیا حمایت از شورشیان سوریه اقدامی مشروع و قانونی از سوی حقوق بین‌الملل محسوب می‌گردد؟

سوال دوم. آیا حمایت دولت‌ها از شورشیان سوریه متضمن مسئولیت بین‌المللی آنان است؟

ج. فرضیه‌های تحقیق:

فرضیه اول. حمایت‌های مادی از شورشیان سوریه قواعدی چون اصل منع توسل به زور و احترام به تمامیت ارضی دولت مرکزی و حمایت‌های غیرمادی از آنان اصولی چون اصل منع مداخله در امور داخلی دیگر کشورها و حق تعیین سرنوشت و احترام به شناسایی دولت مرکزی را نقض می‌کند پس نقض حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود.

فرضیه دوم. چنانچه حمایت‌ها منجر به نقض قواعدی از حقوق بین‌الملل شده باشد، مسئولیت بین‌المللی دولت‌های حامی قابل طرح است و جبران خسارت در چارچوب اقدام متقابل و یا طرق دیگر امکان‌پذیر است.

د. اهداف و ضرورت تحقیق:

با توجه به اهمیت موضوع سوریه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به عنوان خط اول مقاومت، در برابر رژیم دست‌نشانده منطقه‌ای استکبار جهانی یعنی رژیم صهیونیستی، این بحران می‌تواند چشم انداز منافع ایران در منطقه ژئوپلتیک و استراتژیک خاورمیانه را مشخص کرده و موضع‌گیری‌های صحیح ایران را در قبال مسایل حقوق بین‌الملل تبیین نماید. در کنار آن این پژوهش به حول و قوه الهی می‌تواند گامی مثبت برای طرح مسئولیت دولت‌هایی که با نقض قواعد حقوق بین‌الملل به حمایت از گروه‌های شورشی اقدام می‌کنند نیز باشد.

ن. سابقه و پیشینه تحقیق:

در رابطه با پیشینه تحقیق باید خاطر نشان ساخت که تا به امروز در مورد حمایت از شورشیان مقالات مستقیم و غیرمستقیمی به این حوزه پرداخته شده است اما با کمال احترام به این آثار تقریباً هیچ کتاب یا تحقیق جامعی یافت نمی‌شود که به طور مستقل و صرف به مسئله بحران سوریه و جنبه‌های مربوط به وضعیت شورشیان و حمایت از آنان و ابعاد حقوقی دیگر آن از منظر حقوق بین‌الملل پرداخته باشد جز تعداد اندکی تحقیق که به صورت کلی و ابتدایی آن هم به صورت نظری به آن پرداخته شده است که این تعداد کتب و مقالات انگشت‌شمار موجود و مرتبط با حقوق بشر و بشردوستانه هم این مسایل را بیشتر در کنار دیگر مسایل حقوق بین‌المللی و فقط به صورت مختصر و پراکنده مورد بررسی قرار داده‌اند با وجود این که تحولات اخیر بین‌المللی می‌تواند موجب تغییراتی در قواعد حقوقی سابق و عرف بین‌المللی باشد.

و. روش تحقیق:

این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای از طریق مطالعه کتاب‌ها، مقالات و منابع حقوق بین‌الملل چون منشور سازمان ملل، اعلامیه حقوق بشر، میثاقین حقوق مدنی سیاسی و سیاسی اجتماعی فرهنگی و عرف به تجزیه و تحلیل موضوع می‌پردازد.

ه. ساختار کلی تحقیق:

نوشتار حاضر در یک فصل به بررسی حقوقی وضعیت بحران سوریه از منظر حقوق بین‌الملل با تاکید بر وضعیت شورشیان سوریه می‌پردازد. به حول و قوه الهی در فصل نخست کلیات، فصل دوم کمک به شورشیان با تاکید بر کمک به شورشیان سوریه، فصل سوم ارزیابی کمک به شورشیان با تاکید بر شورشیان سوریه از منظر اصول حقوق بین‌الملل و در فصل چهارم مسئولیت دولت‌های حامی شورشیان با تاکید بر شورشیان سوریه مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل اول. کلیات

گفتار اول. مفاهیم

تجربه تاریخی مخصوصاً فضای حاکم بر جهان معاصر، بیانگر این است که جوامع بشری را از رویارویی با مخاصمات مسلحانه گریزی نیست و وقوع چنین پدیده‌ای واقعیت اجتناب‌ناپذیر دنیای امروزی است به طوری که براساس تحقیقات بعمل آمده در طول تاریخ، بشریت فقط 250 سال را در صلح زیسته است.¹ مخاصمات مسلحانه هم در جوامع بین‌المللی و هم در جوامع داخلی روی می‌دهند. در عرصه بین‌المللی جنگ میان دولت‌ها اتفاق می‌افتد در حالی که در جوامع داخلی، جنگ در قلمرو یک دولت بوقوع می‌پیوندد بنابراین درگیری‌های مسلحانه‌ای که در حال حاضر روی می‌دهند تحت عناوین مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند. جداسازی هر یک از این دو دسته مخاصمات حاصل نگرش سنتی حقوق بین‌الملل است که درگیری‌های نظامی میان دو یا چند دولت را جنگ و درگیری‌های نظامی در داخل سرزمین یک دولت را شورش و نافرمانی گروهی مسلح برضد حکومت تلقی می‌کند.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه هم تقسیم‌بندی فوق را به رسمیت می‌شناسد و قواعد و مقررات آن بر چنین مخاصماتی حاکم است و طرفین مخاصمه ملزم به رعایت آن‌ها می‌باشند. اکنون برای وضوح بیشتر این بحث ابتدا تعریفی از مخاصمات مسلحانه به معنی اعم پرداخته و سپس به تعریف جداگانه هر یک از آن‌ها خواهیم پرداخت.

مبحث اول. مخاصمات مسلحانه

در تعاریف مختلفی که از حالت جنگی به عمل آمده است برخی بر عوامل و اعمال توسل به جنگ، برخی بر عناصر مشخصه بیانگر وضعیت حقوقی آن و بالاخره گروهی بر نیات دولت‌های درگیر در تلقی زدو خورد مسلحانه به عنوان جنگ تاکید دارند. این نشان‌دهنده این است که درباره تعریف جنگ توافقی بین حقوقدانان بین‌المللی نیست و معیارهای متفاوتی برای تعیین وضعیت جنگ در هر مورد وجود دارد.² شارل روسو مخاصمه مسلحانه را «تبرد مسلحانه میان دولت‌ها» تعریف کرده است³ و هانس کلسن نیز عنوان می‌کند که «جنگ اصولاً اقدام قهری

¹ سیاه رستمی، هاجر و حسین نژاد، کتابون و افجنگی، محسن، حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه (مجموعه اسناد ژنو)، نشر موسسه آموزش عالی علمی-کاربردی هلال احمر ایران، تهران، چاپ اول، 1390، ص 12.

² بلدسو، رابرت و بوسچک، فرهنگ حقوق بین‌الملل، ترجمه آقایی، بهمن، نشر گنج دانش، تهران، چاپ اول، 1375، ص 508.

³ روسو، شارل، حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه هنجی، سیدعلی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، تهران، جلد اول، 1379، ص 10.

است که یک دولت با توسل به نیروهای مسلحانه علیه دولت دیگر مرتکب می‌شود.» در قانون معروف به کد لبر ایالات متحده مصوب 24 آوریل 1863 «جنگ عمومی، یک حالت درگیری مسلحانه بین دولت‌های حاکم» تعریف شده است.¹

مخاصمات مسلحانه، مشخصاتی هستند که در آن‌ها طرفین درگیر، به قوای مسلح متوسل می‌شوند. بنابراین هر مشخصه مسلحانه‌ای دو عنصر اساسی دارد: عنصر نخست، طرفین مشخصه هستند که بایستی ماهیت آن‌ها معلوم و مشخص باشد و عبارتند از دولت‌ها و گروه‌های مسلح سازمان یافته باشند یا اینکه یکی از طرفین دولت و طرف مقابل گروه‌های مسلح مخالف دولت می‌باشند که وضعیت اخیرالذکر معمولاً در قلمرو داخلی دولت اتفاق می‌افتد. دومین عنصر مشخصات مسلحانه، توسل به قوای مسلح می‌باشد. عملیات نظامی بوسیله قوای مسلح طرفین درگیر صورت می‌گیرد که نتیجه آن لطمه زدن به دشمن است.

نکته‌ای که وجود دارد این است که درگیری مسلحانه بین دولت‌های حاکم است که در آن اشخاص به عنوان شهروند و مدافع به طور اتفاقی در مقابل هم قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر افراد جوامع درگیر در جنگ ماهیتاً هیچ‌گونه دشمنی با هم ندارند، بلکه دولت‌های متبوع آن‌ها هستند که برای منافع و مصالح، در حالت خصومت با هم قرار می‌گیرند.²

بند اول. مشخصات مسلحانه بین‌المللی

الف. مفهوم مشخصه مسلحانه بین‌المللی

اصطلاح «مخاصمه مسلحانه بین‌المللی»³ جانشین واژه «جنگ»⁴ است که رواج آن در ادبیات کنونی حقوق بین‌الملل نتیجه ممنوعیت توسل به زور در روابط بین‌المللی می‌باشد. در حقیقت با تصویب منشور سازمان ملل متحد، توسل به جنگ به عنوان یکی از طرق نامشروع حل و فصل اختلافات که در واقع از میثاق جامعه ملل و پیمان بریآن-گلوک آغاز گشته بود، رسماً منع گردید.⁵ بدین منظور علاوه بر ممنوعیت رسمی توسل به جنگ، برای این که آثار روانی لازم برای پرهیز همه جانبه از جنگ فراهم گردد، استعمال واژه آن نیز منسوخ گردید.⁶

¹ «Public war is a state of armed hostility between sovereign nations or governments.» United states, General order 100, April 24, 1863.

² کاظمی، سیدعلی اصغر، «مفهوم آتش بس، ترک مخصوصه و متارکه جنگ از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره 11، 1368، ص 128.

³ International armed conflict

⁴ war

⁵ روسو، همان، ص 7.

⁶ عبدالهی، محسن، *تروویسم حقوق بشر و حقوق بشردوستانه*، نشر شهردانش، تهران، چاپ اول، 1388، ص 252.

همان‌طور که در تعاریف مخاصمه توسط حقوق‌دانانی چون روسو و کلسن آورده شده است، تعاریف آن‌ها بیشتر در بیان مخاصمه مسلحانه بین‌المللی است همانند تعریفی که می‌توان از ماده 2 مشترک کنوانسیون‌های ژنو بدست آورد. به موجب بند اول ماده 2 مشترک:

«کنوانسیون حاضر باید بر تمامی موارد جنگ اعلام شده یا هر درگیری مسلحانه‌ای که فی مابین دو یا چند کشور عضو به وقوع می‌پیوندد، اعمال گردد...»

به گونه‌ای که از بند اول ماده 2 مشترک کنوانسیون‌های ژنو نیز مشخص است این نوع مخاصمه، مخاصمه‌ای است که میان دو یا چند دولت با استفاده از نیروهای مسلح آن‌ها روی می‌دهد.

قابل ذکر است که در پی تغییر و تحولاتی که در عرصه روابط بین‌الملل صورت گرفت، اصل «حق ملت‌ها برای تعیین سرنوشت خود» مورد توجه حقوق بین‌الملل موضوعه قرار گرفت. تصویب بند 4 ماده 1 پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در سال 1977 در همین راستا بوده است. این پروتکل همان‌گونه که عنوان شد خاص مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است موجب بسط و توسعه چنین مخاصماتی شده است یعنی علاوه بر جنگ‌های منظم میان دولت‌ها، مبارزه بر علیه سلطه استعماری، اشغال خارجی و رژیم‌های نژادپرست نیز مخاصمه مسلحانه بین‌المللی قلمداد می‌شوند.¹

ب. معیارهای توصیف مخاصمات مسلحانه بین‌المللی

ماده 2 مشترک کنوانسیون‌های ژنو مقرر می‌دارد:

«کنوانسیون حاضر باید بر تمامی موارد جنگ اعلام شده یا هر درگیری مسلحانه‌ای که فی مابین دو یا چند کشور عضو به وقوع می‌پیوندد، اعمال گردد حتی اگر حالت جنگی توسط یکی از آن‌ها شناسایی نشده باشد.

این کنوانسیون در هر مورد که تمام و یا قسمتی از خاک یکی از دول معظم متعاهد اشغال نشود نیز مجری است حتی اگر این اشغال با هیچ‌گونه مقاومت نظامی مواجهه نگردد.»

ماده فوق بیانگر نکاتی است از جمله این که اولاً مخاصمات مسلحانه بین‌المللی مخاصماتی هستند که میان دول معظم متعاهد روی می‌دهند و این وضعیت زمانی است که یک و یا چندین دولت در مقابل دولت دیگر به نیروی مسلح متوسل می‌شوند. ثانیاً شدت و میزان و هم چنین مدت زمان چنین مخاصماتی از نوع دیگر مخاصمه متفاوت

¹How is the term "Armed Conflict" defined in international humanitarian law? 2008/3/17 .visited in: 2013/9/29. available at: <http://www.icrc.org/eng/assets/files/other/opinion-paper-armed-conflict.pdf>. p 2.

و متغیر است. ثالثاً عدم اعلام حالت جنگی و یا عدم شناسایی آن از سوی طرفین مخاصمه، ملاک و ضابطه‌ای برای تشخیص مخاصمات مسلحانه بین‌المللی نیست. بنابراین می‌توان گفت که هر اختلافی که بین دولت‌ها به وجود آید و موجب درگیری و در نتیجه بکارگیری نیروی مسلح میان آن‌ها شود یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی و به معنای ماده 2 مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه 1949 ژنو می‌باشد.¹

بند دوم. مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی

الف. مفهوم مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی

اصولاً حقوق بین‌الملل کلاسیک به مخاصمات مسلحانه بین‌المللی ناظر بوده و به مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی هیچ‌گونه توجهی نداشته است.² با این حال در دهه‌های اخیر، درگیری مسلحانه بین دولت‌ها کمتر اتفاق افتاده است و بیشتر درگیری‌ها از نوع مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی³ است که در قلمرو داخلی دولت‌ها روی می‌دهند. مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی:

«مخاصمه ای است که یک طرف درگیر آن دولت نباشد»

اما به نظر می‌رسد که این تعریف کامل نیست چرا که شامل بسیاری از درگیری‌های جزئی داخلی مانند تظاهرات‌ها و درگیری‌های پراکنده نیز می‌شود که دولت‌ها تمایلی به این که مداخله‌ای در آن از سوی جامعه بین‌المللی و یا دیگر کشورها شود را ندارند چرا که ممکن است این اعمال بهانه‌ای شوند برای دیگر دولت‌ها جهت مداخله سیاسی و نظامی.⁴

همچنین در تعریف آن آورده‌اند:

«درگیری‌های مسلحانه‌ای که نمی‌توان آن‌ها را به عنوان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی یا جنگ

های نهضت‌های آزادیبخش قرار داد.»⁵

¹ لازم به ذکر است برخی اقدامات اجرایی نظامی توسط سازمان ملل طبق ماده 42 منشور (که تاکنون فقط در تئوری وجود داشته است) و هرگونه برخورد مسلحانه که سازمان ملل یا نیروهای حافظ صلح منطقه‌ای در آن مشارکت داشته باشند را تحت عنوان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی قرار می‌دهند. بلدسو و همکار، همان، ص 517.
² رضائی قوام آبادی، محمدحسین، "تأملی چند بر منابع قراردادی حقوق مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی"، فصلنامه الهیات و حقوق، شماره 13، 1389، ص 132.

³ Non-International armed conflict

⁴ ضیایی، سیدیاسر، "تأملی بر وضعیت شورشیان از منظر حقوق توسل به زور"، مجله حقوق بین‌المللی، شماره 42، 1389، ص 171.

⁵ فریمن، مارک، "حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی"، ترجمه ارادت، سعید، نشریه اطلاع رسانی حقوقی، شماره 10، 1383، ص 38.